

یادداشت

O P I N I O N



محمود چامساز

اقتصادان

## قاچاق؛ خنجرى در قلب توليد

قاچاق پدیده‌ای ویرانگر است که در سال‌های اخیر در ایران به دلیل پایین بودن هزینه‌های ارتکاب، به شکل گسترده‌ای گسترش یافته است. پایین بودن هزینه‌ها به این معناست که بسیاری از فعالان این بازار با ریسک اندک گرفتار شدن با مجازات مواجه‌اند و دستگاه‌های نظارتی نتوان مقابله مؤثر با شبکه‌ها را ندارند. همین واقعیت انگیزه سود بی‌ریسک را برای قاچاقچیان افزایش داده است.

قاچاق را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: کالاهایی که ذاتاً غیرقانونی‌اند، مانند مواد مخدر، تسلیحات و قاچاق انسان و کالاهای معمولی که بدون پرداخت حقوق گمرکی و مالیات وارد کشور می‌شوند. هر دو گروه تبعات مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارند، اما ماهیت و روش مقابله با هر یک متفاوت است. از منظر بین‌المللی، کشورهایی که به قاچاق گسترده شناخته شوند، اعتبارشان کاهش می‌یابد و در تعاملات جهانی با هزینه‌های زیاد مواجه می‌شوند. قاچاق اسلحه، مواد مخدر و انسان نه تنها امنیت و حقوق بشر را نقض می‌کند، بلکه چهره دولت‌ها را در محافل بین‌المللی مخدوش می‌سازد. در سطح داخلی، قاچاق ضربه‌ای جدی به تولید ملی وارد می‌کند. کالاهای قاچاق ارزان قیمت، به ویژه پوشاک و کفش، توان رقابتی تولیدکننده داخلی را کاهش می‌دهند. تولیدکنندگان که با افزایش هزینه‌های مواد اولیه و نرخ ارز روبه‌رو هستند، در برابر رقیبی که از بار هزینه‌های قانونی فرار می‌کند، ناتوان می‌مانند. نتیجه این رقابت نابرابر کاهش تولید، افت سودآوری، کوچک شدن سرمایه‌گذاری و افزایش ورشکستگی بنگاه‌هاست.

ورشکستگی شدیدی دارد؛ تعدیل نیرو، افزایش بیکاری، فقر، جرائم خرد و سازمان‌یافته، اعتیاد و اختلال در بنیان خانواده‌ها. وقتی بازار به سمت کالای ارزان خارجی سوق می‌یابد، اقتصاد ملی به تدریج کوچک‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌شود. نمونه شاخص این وضعیت، بازار پوشاک و کفش ایران است؛ ورود گسترده کالای ارزان خارجی و تبلیغات رسانه‌ای مصرف‌کننده را به سمت کالای ارزان و اغلب بی‌کیفیت سوق داده و تولیدکنندگان داخلی را دچار رکود و بیکاری می‌کند.

ضعف‌های نظارتی و مسیرهای قاچاق ناکافی کنترل شده، مشکل را تشدید می‌کند. اسکله‌ها، گذرگاه‌های جاده‌ای و نقاط مرزی که نظارت بر آن‌ها ناکافی است، اجازه انتقال محموله‌های قاچاق به بازارها را بدون بازرسی می‌دهند. این وضعیت فرضیه حمایت یا چشم‌پوشی را تقویت کرده و قاچاقچیان با ریسک اندک تجارت غیرقانونی میلیاردری ایجاد می‌کنند؛ آماری که گاهی تا ۲۵ میلیارد دلار قاچاق سالانه برآورد می‌شود.

واکنش‌ها شامل اقدامات نهادها و سیاست‌هایی مانند قرارداد وزارت اقتصاد، وزارت کار و بانک تجارت برای حمایت از زنجیره ارزش تولید پوشاک است. اما تجربه نشان می‌دهد، برنامه‌های بخشی بدون اصلاحات ساختاری و تقویت ابزارهای اجرایی نمی‌تواند چرخه معیوب قاچاق را متوقف کند.

الیه ابراهیمی

روزنامه نگار

# طرح طاها؛ راهکار تقویت تولید پوشاک داخلی

با هدایت منابع مالی هدفمند و ایجاد شبکه همکاری میان کارگاه‌ها، برندها و طراحان داخلی، این طرح می‌کوشد تولید ملی را تقویت و اشتغال گسترده ایجاد کند



عکس تزئینی است

در حالی که صنایع کوچک و متوسط ایران با کمبود نقدینگی، افزایش هزینه‌ها و کاهش تقاضا روبه‌رو هستند، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به همراه وزارت اقتصاد و بانک تجارت از طرح «طاها» رونمایی کرده‌اند تا صنعت پوشاک کشور را احیا کنند. این طرح با بازتعریف زنجیره ارزش، تأمین مالی هدفمند و حمایت از تولیدکنندگان داخلی، تلاش دارد جایگاه بنگاه‌های پوشاک را در بازار تقویت کند.

ایده اصلی طاها هدایت منابع مالی به جای تزییق پراکنده است؛ اقدامی که می‌تواند رشد بنگاه‌ها، افزایش اشتغال و کاهش وابستگی به واردات را به همراه داشته باشد. پوشاک صنعتی با سرمایه نسبتاً کم و ظرفیت اشتغال گسترده است و از همین رو وزارت کار آن را گامی در مسیر اشتغال‌زایی پایدار و عدالت محور می‌داند. برای اجرایی شدن طاها، هماهنگی میان نهادهای اقتصادی و اجتماعی ضروری است. هفته گذشته تفاهم‌نامه‌ای سه‌جانبه میان وزارت کار، وزارت اقتصاد و بانک تجارت امضا شد تا تسهیلات هدفمند در اختیار کارگاه‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار گیرد و منابع مستقیماً به تولید و اشتغال اختصاص یابد.

## چالش‌های صنعت پوشاک ایران

صنعت پوشاک ایران با وجود ظرفیت بالای نیروی انسانی و مزیت‌های جغرافیایی، در سال‌های اخیر با مشکلات جدی مواجه شده است. کمبود مواد اولیه، فرسودگی ماشین‌آلات و نبود برندسازی مؤثر، همراه با ضعف در اتصال میان حلقه‌های زنجیره ارزش-از طراحی تا توزیع-باعث شده سهم تولیدکنندگان داخلی کاهش یابد. بسیاری از کارگاه‌های کوچک، که زمانی نماد تولید ملی بودند، به دلیل کمبود نقدینگی یا رقابت نابرابر با کالاهای قاچاق، تعطیل یا نیمه‌فعال شده‌اند. قاچاق پوشاک یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای این صنعت است. برآوردها نشان می‌دهد سهم کالاهای غیررسمی در بازار ایران بین ۳۰ تا ۷۰ درصد متغیر است و برخی تحلیل‌گران رقم ۶۰ درصد را ذکر کرده‌اند. این اختلاف نشان‌دهنده دشواری اندازه‌گیری و ضعف سامانه‌های پایش است، اما پیام واضح است: بخش بزرگی از تقاضای بازار از مسیرهای غیررسمی تأمین می‌شود و این رقابت نابرابر تولیدکنندگان داخلی را هدف گرفته است. از نظر تجاری نیز وضعیت مناسب نیست. واردات پوشاک در سال‌های اخیر به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسیده، در حالی که صادرات تنها

حدود ۶۰۰ میلیون دلار گزارش شده؛ یعنی واردات حدود ۳.۵ برابر صادرات است. این فاصله، بازار را به تسخیر کالاهای خارجی، چه رسمی و چه غیررسمی، درآورده و جای تولید داخلی را خالی کرده است. این شرایط نه تنها تولیدکنندگان را زمین‌گیر کرده، بلکه فرصت اشتغال ده‌ها هزار کارگر را نیز کاهش داده است. هر واحد فعال در بخش پوشاک می‌تواند برای ده‌ها نفر اشتغال مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند، اما بازار داخلی به‌سادگی در اختیار کالاهای ارزان و بی‌کیفیت خارجی قرار گرفته است.

## توانمندسازی زنجیره ارزش

کارشناسان معتقدند مقابله با مشکلات صنعت پوشاک ایران تنها با ممنوعیت یا برخورد انتظامی ممکن نیست. برای پایداری تولید و رقابت در بازار، زنجیره ارزش داخلی باید توانمند شود تا هر حلقه، از طراحی و دوخت گرفته تا بازاربایی و فروش، بتواند به شکل هوشمند و کارآمد عمل کند. طرح «طاها» بر همین اساس طراحی شده است؛ ایجاد پیوند میان کارگاه‌های کوچک، طراحان، برندهای داخلی و شبکه‌های توزیع با تأمین مالی هدفمند و آموزش مهارت‌های فنی و مدیریتی، محور اصلی این برنامه است.

## صنعت نساجی زیر فشار نقدینگی و قاچاق

### دبیر اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک معتقد است حمایت از خوشه‌های صنعتی روستایی برای پایداری اشتغال ضروری است

صنعت نساجی و پوشاک ایران این روزها با دو چالش بزرگ مواجه است؛ کمبود نقدینگی در زنجیره تولید و سبزه کالای قاچاق بر بازار. سعید جلالی قدیری دبیر اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک در گفت‌وگو با ما از ضرورت اصلاح رویکردها، حمایت از خوشه‌های صنعتی روستایی و سامان‌دهی بازار فروش سخن گفت.

● **در زنجیره صنعت نساجی و پوشاک، تأمین مالی همواره یکی از چالش‌های اصلی تولیدکنندگان بوده است. با توجه به طرح جدید وزارت کار و بانک تجارت، وضعیت تأمین نقدینگی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟** مسئله نقدینگی یکی از مهم‌ترین گره‌های این صنعت است. به‌طور کلی در کل زنجیره نساجی و پوشاک، تأمین مالی به شدت دشوار شده است. نرخ تأمین منابع بانکی رسماً بالای ۳۶ درصد در سال است و این هزینه سنگینی را بر دوش تولیدکنندگان می‌گذارد. از طرفی، به دلیل ضعف قدرت خرید مردم، تولیدکنندگان نمی‌توانند افزایش قیمت بدهند. در چنین شرایطی، طرح‌هایی مانند «تأمین مالی زنجیره‌ای» که وزارت کار با همکاری بانک تجارت و وزارت اقتصاد طراحی کرده، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش قیمت تمام‌شده کالا داشته باشد.

#### ● این طرح بیشتر روی چه بخش‌هایی از صنعت متمرکز است؟

یکی از محورهای طرح مربوط به خوشه‌های صنعتی در روستاهاست؛ مناطقی مثل روستاهای همدان، لنگاپازندریان که کسب‌وکارهای خانگی در آن‌ها رونق دارد. معمولاً خانواده‌ها چند دستگاه جوراب‌بافی یا چرخ خیاطی دارند و به صورت خانوادگی تولید می‌کنند، اما چون جواز کسب یا پروانه بهره‌برداری ندارند، بانک‌ها به سختی به آن‌ها وام می‌دهند. در این طرح، وزارت کار با راه‌اندازی «صندوق حمایت تعاون» این خانوارها را تجمیع کرده تا بتوانند مواد اولیه را به صورت اعتباری از بانک دریافت کنند و بعد از

فروش محصولات، تعهدات خود را به بانک بازگردانند. تضمین اجرایی این فرآیند نیز با همان صندوق حمایتی است.

#### ● اگر این طرح به خوبی اجرا شود، چه تأثیری بر اشتغال و تولید خواهد داشت؟

در صورت اجرای درست، قطعاً تأثیر مثبتی خواهد داشت. خانوارهای فعال در کسب‌وکارهای خانگی دیگر برای خرید مواد اولیه نیازمند نقدینگی فوری نیستند، چون بانک عملاً تولید را تأمین می‌کند. وقتی محصولات فروخته شد، پول به بانک بازمی‌گردد. این سیستم هم فشار مالی را از دوش خانواده‌ها برمی‌دارد و هم باعث می‌شود تولید در روستاها پایدار شود. در سطح ملی هم زنجیره تولید پوشاک منسجم‌تر می‌شود و هزینه‌هایی کاهش می‌یابد.

#### ● با توجه به آمار بالای قاچاق پوشاک، آینده این صنعت را در چنین شرایطی چگونه می‌بینید؟

متأسفانه یک سوم بازار پوشاک ایران در اختیار کالای قاچاق است؛ یعنی بیش از ۳۵ درصد. در کشورهای دیگر هم قاچاق وجود دارد، اما سهم آن معمولاً زیر ۵ درصد است. تازمانی که ما نتوانیم قاچاق را کنترل کنیم، تولیدکننده داخلی در رقابت بازنده خواهد بود. در کنار آن باید هزینه‌های عرضه را کاهش دهیم، چون مردم دیگر توان خرید ندارند. برای مقایسه، از سال ۹۷ تا امروز قیمت نان بربری از ۵۰۰ تومان به ۱۵ هزار تومان رسیده، یعنی ۳۰ برابر شده، اما قیمت یک تیشرت از ۱۰۰ هزار تومان به ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزار تومان رسیده؛ در واقع کمتر از پنج برابر. دلایلش روشن است: مردم پول خرید ندارند و تولیدکننده مجبور است

از منظر اشتغال، بخش نساجی و پوشاک نقش قابل توجهی در اقتصاد صنعتی دارد. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۹ هزار و ۸۰۰ واحد صنعتی فعال و نزدیک به ۱۵۰ تا ۲۹۰ هزار شغل مستقیم در این حوزه وجود دارد. بخش عمده‌ای از نیروی کار در کارگاه‌های کوچک و واحدهای غیررسمی مشغول است و این گروه در برابر نوسانات اقتصادی و رقابت قاچاق بسیار آسیب‌پذیرند. بنابراین، سیاست‌های حمایتی نه تنها باید تولید اقتصادی را افزایش دهند، بلکه معیشت و حقوق کارگران خرد و خانوارهای وابسته را نیز تضمین کنند. تأمین مالی زنجیره‌ای، نقطه قوت اصلی توافق‌نامه اخیر است. اجرای این طرح می‌تواند اثرات مثبت متعددی داشته باشد؛ کارگاه‌های نیمه‌تعطیل یا دسترسی به منابع مالی دوباره فعال می‌شوند، شبکه‌های همکاری میان واحدهای تولیدی شکل می‌گیرد که مقیاس تولید را افزایش و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، و توسعه برندهای ایرانی و ارتقای کیفیت، اعتماد مصرف‌کننده را به کالای داخلی جلب می‌کند. نتیجه‌نهایی شکل‌گیری زنجیره‌ای مستحکم از تولید تا مصرف است که هم به اشتغال و هم به ارزش افزوده ملی کمک می‌کند.

## آثار اجتماعی و فرهنگی

طرح «طاها» تنها به تقویت زنجیره تولید پوشاک محدود نمی‌شود؛ ابعاد اجتماعی آن نیز قابل توجه است. بسیاری از کارگاه‌های کشور توسط زنان سرپرست خانوار اداره می‌شود و احیای این واحدها مستقیماً بر معیشت خانوارهای کم‌درآمد تأثیر می‌گذارد. وزارت کار اعلام کرده بخشی از تسهیلات این طرح به زنان کارآفرین و تعاونی‌های تولیدی اختصاص می‌یابد تا ضمن حمایت از تولید، عدالت اقتصادی نیز تحقق یابد. کارشناسان هشدار می‌دهند که موفقیت طرح تنها با تزریق منابع مالی ممکن نیست. استمرار نظارت، شفافیت در تخصیص تسهیلات و جلوگیری از انحراف منابع به حوزه‌های غیرتولیدی از الزامات اجرای برنامه است. همچنین سیاست‌های گمرکی و تعرفه‌ای باید با هدف حمایت از تولید داخلی همسو شوند تا تولیدکننده بتواند در فضایی رقابتی و منصفانه فعالیت کند. اگر طرح طاها با نظارت مستمر و همکاری واقعی نهادهای مسئول پیش برود، می‌تواند نقطه آغازی برای بازسازی اعتماد میان دولت و تولیدکنندگان باشد؛ اعتمادی که سال‌هاست آسیب دیده است. صنعت پوشاک فراتر از تولید اقتصادی، بخشی از زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه است. پشتیبانی از آن یعنی حمایت از کارگر، طراح، خیاط، برند داخلی و مصرف‌کننده ایرانی. طرح طاها می‌تواند نخستین گام در بازتعریف این چرخه باشد؛ چرخه‌ای که هم اشتغال و هم امید به همراه خواهد داشت.

